

آخرین زیارت باشهادت

زندگی نامه سردار شهید

محمد تیموریان

فرمانده گردان یا رسول الله

و

گردان یا رسول الله از لشکر ۲۵ کربلا

در آئینه دفاع مقدس

به قلم جناب سرهنگ یحیی خاکی

داود مهدی آملی

صمدی آملی ، داود ،

آخرین زیارت با شهادت / مؤلف داود صمدی آملی . - قم :

روح و ریحان، ۱۳۹۰ .

۲۴۸ ص . : مصور ، نمودار

ISBN: 978 - 600 - 91865 - 6 - 3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا .

کتابنامه به صورت زیر نویس .

۱ . تیموریان ، محمد ، ۱۳۴۴ - ۱۳۶۳ - سرگذشت نامه .

۲ . جنگ ایران و عراق ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - شهیدان - سرگذشت نامه .

الف : عنوان

۹۵۵ / ۰۸۴۳۰۹۲

۸ ص ۹ / ۱۶۲۶ DSR



آخرین زیارت با شهادت

مؤلف: داود صمدی آملی

ناشر: روح و ریحان

تاریخ چاپ: ۱۳۹۰

لیتوگرافی و چاپ: شریعت

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

مرکز پخش

۰۱۲۱ - ۳۲۶۶۸۳۵

فهرست

۱۱	قبساتی از سخنان عرشی حضرت علامه حسن زاده‌ی آملی در مراسم شهدای آمل
۱۶	از الهی نامه هم بنیوش و نوش کن
۱۷	بارقه‌ی رضویه در تولد محمد
۱۷	بشارت به فرزندی پاک
۱۷	فریدون نام و محمد کام
۱۸	دوران کودکی باصفای او از زبان پدر باوفای او
۱۸	دو چرخه را...
۱۸	ارهاص فریدون
۱۹	و اینک مطالبی از پدر شهید محمد تیموریان درباره‌ی فرزندش
۱۹	فعالیت در انقلاب
۲۰	اعزام به جبهه
۲۰	فراگیری قرائت قرآن
۲۰	سیصد جلد کتاب مطالعه کرد
۲۰	آموزش نظامی
۲۱	تکمیل دوره‌ی آموزش نظامی
۲۱	اولین اعزام به جبهه
۲۱	شرکت در درگیری ۶ بهمن آمل
۲۱	لقب چمران
۲۲	چند جمله‌ای راجع به اخلاق و خصوصیات ایشان ذکر می‌کنم
۲۴	گفتاری دیگر از پدر شهید جناب آقای محمدحسن تیموریان - آینده الله تعالی -
۲۴	لقب چمران آمل از دوستان در جبهه
۲۴	شرکت در عملیاتها
۲۵	انتصاب به فرماندهی گردان
۲۵	ترور پدر و اعزام او به جبهه
۲۶	یادواره شهید شاهد
۲۶	شناسنامه‌ی شهید بزرگوار محمد تیموریان

- مقدمه ۲۷
- محمّد عزیز! ۲۹
- خاطرات شهید به قلم خود او در دفتر خاطراتش ۲۹
- جبهه‌ی اول: اعزام به پاوه ۳۰
- خاطرات یک حزب الله، یک بسیجی و بالأخره یک پاسدار ۳۰
- عشق به جهاد به قدری بود که سفر شیراز را به هیچ شمردم ۳۰
- ناامید شدیم اما دل به خدا بستیم ۳۱
- استقبال مردم در راه از ما چشم منافقین را کور کرد ۳۱
- در زیارت امام در جماران و تا آمدن امام قلبمان تندتند می‌زد ۳۲
- اعزام به پاوه ۳۳
- دستور برگشت من به خانه برایم ناراحت‌کننده بود ۳۴
- مردم ده هروی برای ما الگویی از مقاومت بودند ۳۴
- هواپیماهای کور دشمن ۲۲ عدد بمب بر سر مردم پاوه ریختند ۳۵
- نماز باصفا در خانه‌ی خدا دو بازگشت از جبهه ۳۶
- جبهه‌ی دوم: عملیات اول (محمّد رسول الله ﷺ) ۳۷
- تکبیر بچه‌ها به هوا رفت ۳۸
- در موقع عملیات که در کوه‌ها آسانسور نیست ۳۸
- نور فانوس را پایین می‌آوردیم تا گرم‌ها را در خرما نبینیم ۳۹
- یکی از بچه‌ها در حین نگهبانی روی زمین پرت شد ۳۹
- موقع خداحافظی بچه‌ها گریه می‌کردند ۴۰
- صبر به اتمام رسید و برادر محسن رضایی خبر از شروع عملیات دادند ۴۰
- عملیات شروع شد ۴۱
- مهمات آنها را جمع و تمیز کردم تا با تانک‌ها مقابله کنیم ۴۲
- به یاد شهید و مفقودالآثر مسعود عسگری ۴۳
- مواجهه با به اصطلاح سربداران جنگلی در آمل ۴۳
- جبهه‌ی سوم: عملیات بیت المقدس ۴۵
- به یاد شهید بیگلو و سخنانش ۴۵
- به هنگام حمله انگار که آسمان را یک ورق خون پوشاند ۴۵
- بچه‌ها متوجه خطر احتمالی نبودند ۴۶
- عراقی‌ها مثل بید می‌لرزیدند ۴۶
- خواستم تیر خلاص بزنم دیدم تیرم تمام شد ۴۸

- چند نفر دیگری را کشتیم
وقتی که اصغر مثنایی شهید شد، به یاد بی‌پدری پنج فرزند خردسالش گریستم
همه با لبی تشنه نشستیم و او مانند حسین شهید شد
تشنگی و غم شهید شدن اصغر به من فشار می‌آورد
هفت نفری هفتاد نفر اسیر می‌گیرند
هر آن انتظار تیر خوردن را داشتم
با سرنیزه ماشین را روشن کردم
بعد از بهبودی از بیمارستان به کوشک رفتم
یک شهید و ۱۱ مجروح
جای شما خالی به هنگام خوردن هندوانه، میگ‌های عراقی آمدند
عراقی‌ها روی بیش از ۳۰۰ نفر از جنازه‌های پاک شهدا خاک ریختند
جبهه‌ی چهارم: عملیات رمضان
با وجود کمی سبب قبول فرماندهی گروهان برایم گران بود
خمپاره منفجر شد و یکی از برادران را نصف کرد
هنگام شروع عملیات
یکی از شهدا بدون دست و سر و پا، فقط با تنه‌ی خالی باقی ماند
هرگز نمی‌توانید عظمت این صحنه‌ها را دریابید
از خستگی توی آمبولانس خوابیدم، دیدم زخمی آوردند بلند شدم
قرار شد باز هم حمله کنیم
پایان عملیات رمضان
عملیات محرم
اعطای لباس پاسداری از بزرگ پاسدار اسلام و قرآن
محمد فرمانده گردان شهید دستغیب شد:
محمد فرمانده گردان یا رسول در عملیات والفجر
روح محمد در دانشگاه جبهه اوج می‌گیرد
عملیات والفجر ۶ و محمد و گردان یا رسول:
مرغ روحش با خواب ابوالفضل العباس هوای پرواز دارد
عملیات بدر
ماجرای زیبای انتقال و دفن شهید
متن وصیت‌نامه‌ی شهید محمد تیموریان
جمله‌ای دارم با خواهران و برادران حزب الله

- جمله‌ای با پدر و مادر و خواهر و برادرانم
 ذکر اسامی شهیدان توسط شهید تیموریان
 گوشه‌ای از راز و نیازها و درد دل‌های شهید
 شکایت از تنهایی
 با این همه، بعضی بدبخت‌ها هنوز خیلی پرت هستند
 اگر واقعاً توکل به خداوند داشته باشیم...
 چرا از عاقبت مان بیمناک نیستیم؟
 فردای قیامت به چه روی می‌خواهیم به علی علیه السلام نگاه کنیم؟
 مگر بار مخلص خدا شدن الکی است؟
 مناجات با قاضی الحاجات
 متن مصاحبه با شهید محمد تیموریان
 خاطره‌ی شهید از شهید شعبانی
 نحوه‌ی شهادت شهید شعبانی
 خاطره‌ی شهید روحی و رگبار بسوی شیطان
 خاطره‌ی شهید گنجی امینی
 توسل به رسول الله صلی الله علیه و آله برای گردان یا رسول
 مصاحبه با حجت الاسلام احدی - دامت توفیقاته -
 مصاحبه با سردار شهید حاج حسین بصیر در سال ۱۳۶۳
 جایگاه محمد در نزد حاج حسین بصیر و فرماندهی لشکر ۲۵ کربلا
 مصاحبه با یکی از فرماندهان
 یادگاری از شهید به صورت مزاح
 مصاحبه با هم‌رزم شهید جناب سید علی اکبر نژاد در منطقه‌ی عملیاتی
 اطاعت‌پذیری شهید از فرماندهان
 مصاحبه با برادر نانواکناری در مورد شهید تیموریان
 مصاحبه با برادر یوسفعلی خانزاده پیرامون شهید در شب عملیات
 عزاداری بسیجیان گردان یار رسول صلی الله علیه و آله برای شهید تیموریان
 سخنرانی دوستان محمد و سخنان حاجی در مورد محمد
 مصاحبه با دیگر هم‌زمان شهید
 گفتگوی صمیمانه‌ی پدر بزرگوار شهید تیموریان با دوستان هم‌رزم شهید
 خاطرات سردار شهید محمد تیموریان تاریخ ۸۸/۱۱/۷ منزل حاج آقا تیموریان
 تغییر نام از فریدون به محمد

- ۱۱۳ محمد و جلسه‌ی هیئت قرآن
- ۱۱۴ فعالیت جانانه‌ی محمد در هیئت قرآن و انقلاب در مقابل ضد انقلاب
- ۱۱۴ گروه ما نیرویی مخصوص برای سپاه شد
- ۱۱۶ آموزش نظامی محمد
- ۱۱۷ فعالیت محمد در کتاب‌خانه و امور فرهنگی
- ۱۱۸ خلّاقیت محمد تا به فرماندهی گردان
- ۱۱۸ شهادت شهید اصغر مثنایی
- ۱۲۰ خاطرات سردار شهید محمد تیموریان تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۷ منزل حاج آقا تیموریان
- ۱۲۱ محمد مشغول آموزش سپاه لاریجان شد
- ۱۲۱ فرماندهی گردان در عملیات محرم
- ۱۲۳ محمد و عملیات والفجر
- ۱۲۴ محمد مجروحین را جمع‌آوری می‌کرد
- ۱۲۵ اهل سکوت بود
- ۱۲۵ صلابت محمد در جنگ
- ۱۲۷ مشکلات کمی سن
- ۱۲۸ محمد در خواب هم راهنمایی می‌کرد
- ۱۳۱ پیرامون ازدواج محمد
- ۱۳۳ خبر شهادت محمد در چنگوله
- ۱۳۴ پدر شهید
- ۱۳۴ علاقه‌ی شدید محمد به امام رضا (ع)
- ۱۳۶ نحوه‌ی شهادت محمد تیموریان
- ۱۳۸ خاطرات سردار شهید محمد تیموریان توسط جناب سرهنگ هادی بصیر
- ۱۳۸ تغییر اسم محمد توسط حاج بصیر
- ۱۳۹ محمد در والفجر ۴ فرماندهی گردان شد
- ۱۴۱ خاطره‌ای از محمد
- ۱۴۳ روحیه و منش محمد
- ۱۴۴ از نحوه‌ی شهادت می‌گفت
- ۱۴۴ جنازه‌ی او به مشهد رفت
- ۱۴۴ شهید در آب
- ۱۴۵ ابوالفضل گردان ما شهید شد
- ۱۴۵ غربت محمد در آمل

- ۱۴۷ مصاحبه‌ی پدر شهید تیموریان با سردار حاج کریمایی علی فردوس
- ۱۴۷ محمد از اولین فرماندهان تیپ ۲۵ کر بلا
- ۱۴۹ آیت الله حسن زاده خبر شهادت او را داد
- ۱۴۹ شهید تیموریان در جبهه همه جور کار می کرد
- ۱۵۰ شهید از بنیان گذاران گردان یا رسول الله بود
- ۱۵۱ محمد و والفجر
- ۱۵۳ شهید تیموریان و عملیات بدر
- ۱۵۳ محمد خیر از اسارت علی فردوس می دهد
- ۱۵۴ محمد برای نیروهایش گوسفند نذر می کرد
- ۱۵۵ لباس مقدس سپاه را از دست مبارک حضرت علامه حسن زاده آملی می گیرد
- ۱۵۶ تغییر نام از فریدون به محمد
- ۱۵۶ خواب ها در مورد شهادت محمد تیموریان
- ۱۵۶ خواب شهید در مورد شهادت خودش
- ۱۵۷ نحوه‌ی شهادت او در عملیات بدر
- ۱۵۸ مناجات شهید
- ۱۵۹ مصاحبه‌ی خانوادگی سردار شهید محمد تیموریان ۱۳۸۹/۸/۱۱
- ۱۵۹ پیرامون ترور شدن پدر شهید توسط منافقین در آمل
- ۱۶۲ خاطرات آقای قربانی، داماد خانواده
- ۱۶۵ پیرامون لباس پاسداری محمد
- ۱۶۶ بیانات مادر شهید
- ۱۷۲ مادر شهید از خوابهای پس از شهادت فرزندش می گوید
- ۱۷۳ خاطرات خواهر شهید
- ۱۹۹ عملیات کر بلا ۱
- ۲۱۰ پاتک اول شلمچه
- ۲۱۲ پاتک دوم شلمچه